

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

بایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

موضوع:

مقایسه نقش رهبری در نهضت مشروطیت
و انقلاب اسلامی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد رضا بخشید

استاد مشاور:

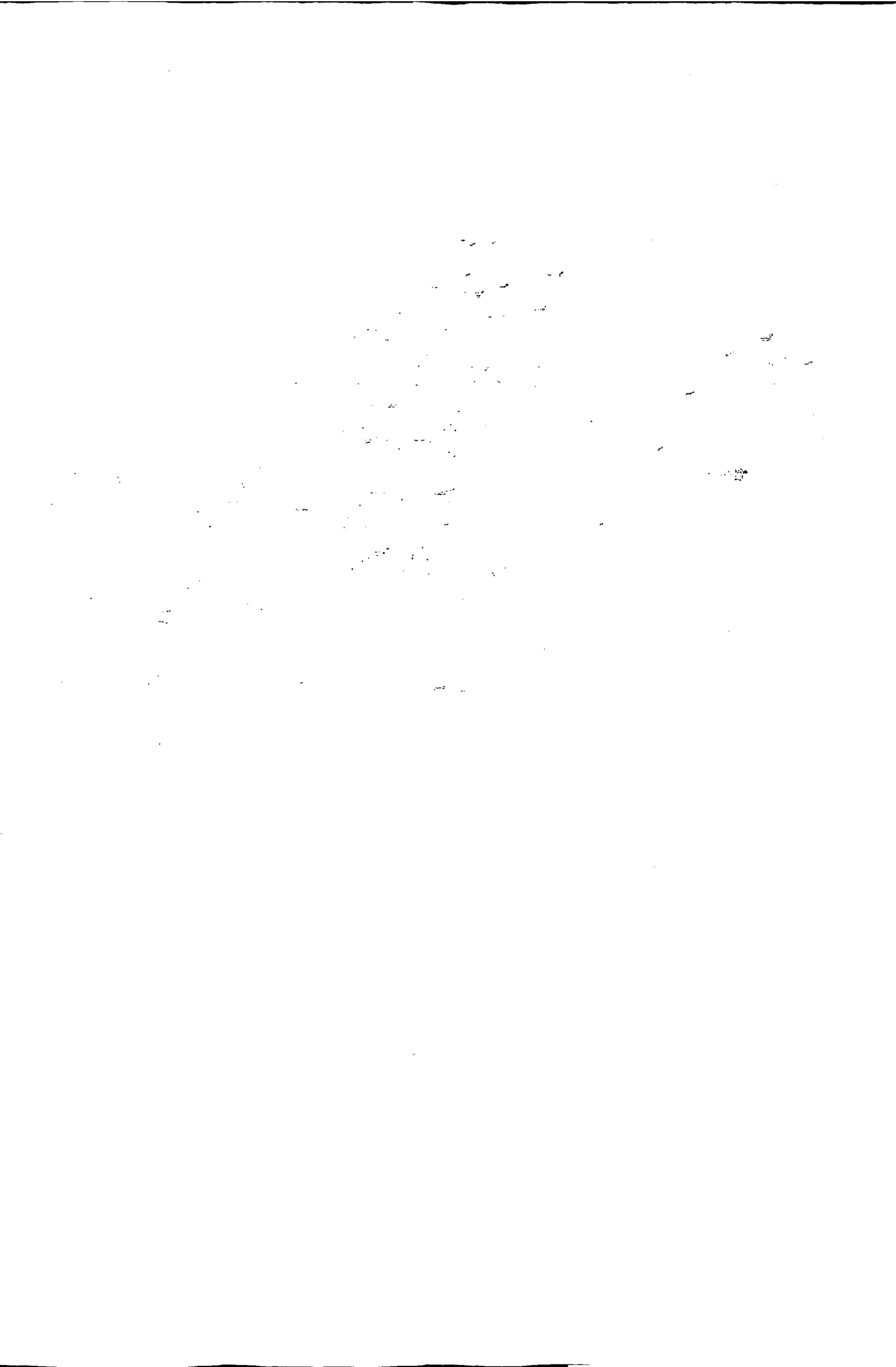
جناب آقای دکتر ستوده کار

نگارنده:

فریدون اکبرزاده

بهمن ۱۳۷۲

۱۷۵۲۳



تقدیم به پدر عزیزم که دست‌نوازشش
همواره چون دست نوازشگر نسیم برایم
بوده و مادر مهربانم که هیچگاه مرا
از لطف خویش محروم نساخته و
همسر همیشه فداکارم که دست در
دستانم نهاده تا همسفری جاودانی
در میان امواج پرتلاطم زندگانی
برایم باشد.

تقدیر و تشکر

در ابتدا و پیش از پرداختن به هر سخن و مطلبی بر خود فرض می‌دانم که مراتب قدردانی و سپاس خود را نسبت به کلیه کسانی که در نوشتن این پایان‌نامه مرا یاری نمودند، به جا آورم .

راهنمایی‌های خردمندانه و رهگشای جناب آقای دکتر تخشید معاونت محترم پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی که به رغم داشتن مشغله فراوان راهنمایی این پایان‌نامه را به عهده گرفتند، مرا مدیون زحمات خویش نمودند.

جناب آقای دکتر ستوده‌کار که سمت مشاور در این رساله را داشتند، بی‌شک قابل ملاحظه‌ترین کمک را در تدوین نهایی این رساله به عهده گرفتند.

فراغت و آسودگی خاطر یعنی پیش‌نیاز کار بر روی این پایان‌نامه را خانواده عزیز و بزرگوارم - پدر، مادر، برادران، خواهران و بویژه همسر - برایم فراهم آوردند ، امری که جبران آن به هیچ وجهی برایم مقدور نیست .

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	مقدمه
۷	فصل اول: رهیافت نظری
۸	مبحث اول: بحثی پیرامون انقلاب
۱۲	مبحث دوم: بحثی پیرامون رهبری
	مبحث سوم: بررسی کلی نقش رهبری در مراحل مختلف نهضت
۱۷	یا انقلاب
۱۸	الف- رهبر بعنوان ایدئولوگ
۲۰	ب- رهبر بعنوان بسیج گر یا فرمانده انقلاب
۲۲	ج- رهبر بعنوان مدیر یا معمار
۲۴	فصل دوم: بررسی نقش رهبری در نهضت مشروطیت
۲۵	مبحث اول: رهبر بعنوان ایدئولوگ
۲۵	مقدمه
۲۸	الف- میرزا ملکم خان ناظم الدوله

۳۶	ب - نامه های روشنفکران به روحانیون در جریان حوادث نهضت مشروطیت
۳۸	ج - بررسی نقش روشنفکران به هنگام تحسن در سفارت انگلستان
۴۰	نتیجه
۴۲	مبحث دوم: رهبر بعنوان بسیج گر یا فرمانده انقلاب
۴۲	مقدمه
۴۳	الف- نقش سید عبدالله بهبهانی
	۱- عکس العمل شدید بهبهانی در مقابل اقدام
۴۳	نوز بلژیکی
۴۴	۲- انعقاد پیمان اتحاد با طباطبایی
۴۶	۳- علت گرایش بهبهانی به سوی نهضت مشروطیت
۴۷	ب - نقش سید محمد طباطبایی
	۱- پذیرش اتحاد با بهبهانی و مخالفت با احداث
۴۷	ساختمان بانک استقراضی روس
۴۸	۲- فعالیت برای تاسیس عدالتخانه
۵۰	۳- زیربنای فکری و گرایش به سوی نهضت مشروطیت
۵۴	ج - نقش شیخ فضل الله نوری
۵۶	نتیجه
۵۷	مبحث سوم: رهبر بعنوان مدیر یا معمار
۵۷	مقدمه
۵۸	بخش اول: اقدامات روشنفکران

۵۸	الف - مجلس شورای اسلامی یا مجلس شورای ملی
۶۲	ب - تدوین قانون اساسی
۶۴	ج - تدوین متمم قانون اساسی
۶۹	نتیجه
	بخش دوم : عکس العمل علمای مذهبی نسبت به
۷۱	اقدامات روشنفکران
۷۱	الف - شیخ فضل الله نوری
	۱- بست نشینی شیخ فضل الله برای مخالفت با
۷۱	مشروطه غیر مشروعه
۷۳	۲- مخالفت با پناهنده شدن به سفارت خارجی
	۳- نقش شیخ فضل الله در تصویب اصل دوم
۷۴	متمم قانون اساسی
۷۷	ب - نقش نائینی و علمای ایرانی مقیم عراق
۸۸	جمع بندی کلی
۸۸	الف - روحانیون
۸۹	ب - روشنفکران
۹۱	فصل سوم : بررسی نقش رهبری در انقلاب اسلامی
۹۲	مبحث اول : رهبر بعنوان ایدئولوگ
۹۲	بخش اول : بحثی پیرامون ایدئولوژی انقلاب اسلامی
۹۲	مقدمه
۹۳	الف - ایدئولوژی

۹۳	۱- ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی
۹۷	۲- مارکسیسم - لنینیسم
۱۰۱	۳- اسلام
۱۰۲	۳-۱- آرمائوگرایان حکومت اسلامی
۱۰۲	۳-۲- لیبرالیسم اسلامی
۱۰۷	۳-۳- رادیکالیسم اسلامی
۱۱۳	۳-۴- سنت‌گرایان اسلامی
۱۱۵	ب - نتیجه
۱۱۵	۱- ناسیونالیسم
۱۱۵	۱-۱- عدم مخالفت با سلطنت و شاه
۱۱۷	۱-۲- اعتقاد به فعالیت‌های قانونی و معتدل
۱۱۹	۱-۳- نحوه نگرش به اسلام و حکومت اسلامی
۱۲۱	۲- مارکسیسم - لنینیسم
۱۲۱	۲-۱- ماهیت الحادی و ضدیت با مذهب
	۲-۲- وابستگی مارکسیست‌ها به بیگانه و
۱۲۲	موضع‌گیری در مقابل ملت
۱۲۴	۲-۳- همکاری با رژیم
۱۲۵	۳- اسلام
۱۲۷	بخش دوم: امام خمینی بعنوان ایدئولوگ
۱۳۷	مبحث دوم: رهبر بعنوان بسیج‌گر
	الف- مرحله اول: سالهای ۴۳-۱۳۴۱
۱۴۶	دست‌آوردهای مرحله اول از رهبری امام خمینی

۱۴۶	۱- تحول در بافت نیروهای انقلابی
۱۴۷	۲- ضدیت نهضت با سلطنت و شاه
۱۴۸	۳- ضدیت با استعمار
۱۴۹	ب - مرحله دوم: از سال ۱۳۵۶ تا پیروزی انقلاب اسلامی
۱۵۵	نتیجه
۱۵۶	مبحث سوم: امام خمینی بعنوان مدیر یا معمار
۱۵۶	مقدمه
۱۵۸	الف- استقرار نهادهای جدید و سیستم وعده داده شده
۱۶۰	ب - مبارزه با ضد انقلاب و برقراری آرامش در جامعه
۱۶۳	ج - هدایت انقلاب با رهنمودهای خویش
۱۶۶	نتیجه
۱۶۷	فصل چهارم: مقایسه و نتیجه گیری
۱۶۸	مقایسه نقش رهبری در نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی
۱۶۸	الف- ایدئولوگ یا رهبر فکری
۱۷۳	نتیجه
۱۷۷	ب - بسیج گر یا فرمانده
۱۸۳	نتیجه
۱۸۶	ج - مدیر یا معمار
۱۹۲	نتیجه
۱۹۴	جمع بندی کلی
۱۹۶	کتابنامه

مقدمه

تاریخ معاصر ایران، شاهد دو رویداد بزرگ و اساسی بوده که هر یک از آنها قلمرو زیادی از میاحث، تحقیقات و تألیفات را به خود اختصاص داده است. در سال ۱۲۸۵ ه.ش / ۱۹۰۶ م، بعد از یک سلسله تحولات، نهضتی که منجر به استقرار نهادهای جدید به شیوه ممالک غربی یا مشروطیت شد، در مبارزه با سیستم سیاسی وقت که مبتنی بر استبداد بود، پیروز گردید. و به دنبال آن، نظام سیاسی جدیدی که با نظام گذشته متفاوت بود، مستقر شد. در سال ۱۳۵۷ ه.ش / ۱۹۷۸ م، رویداد دوم یعنی انقلاب اسلامی که از اولی به مراتب بزرگتر و عمیقتر بود، بوقوع پیوست. تحول اخیر نیز منجر به استقرار سیستم جدیدی شد که با وضعیت قبل از آن، از هر جهت متفاوت بود.

در تکوین، تداوم، پیروزی و مرحله بعد از انقلاب، رهبری، نقش فوق العاده مهمی ایفاء می کند. نکته حائز اهمیت این است که رهبری انقلاب، توانایی لازم جهت انجام نقش خود در تمام مراحل را داشته باشد و بتواند در هر مرحله، با توجه به شرایط و وضعیت موجود، تصمیم لازم و مقتضی را اخذ نماید. در غیر این صورت، سرانجام انقلاب، شکست و یا انحراف خواهد بود.

رهبر انقلاب در یک مرحله، با استفاده از ایدئولوژی خاصی، وفاداری

توده مردم را نسبت به وضع موجود سست می‌نماید و توجه آنها را به جامعه‌ای بهتر معطوف می‌سازد. بعبارت دیگر او در این مرحله به تقبیح وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب می‌پردازد. عملکرد رهبری در این دوره تحت عنوان "ایدئولوگ" بررسی می‌شود.

رهبر انقلاب علاوه بر اینکه ایدئولوگ "حرکت" می‌باشد، بایستی در طول انقلاب، فرماندهی عملیات انقلابی را نیز در اختیار داشته باشد. بعبارت دیگر برای اینکه مسیر انقلاب درست پیموده شود، فرماندهی لازم است که با بسیج نیروها و امکانات و به حرکت در آوردن آنها و استفاده مناسب از هر کدام، کل عملیات انقلاب را رهبری کند. بطور کلی رهبران در این مقطع با استفاده از زبان، بیان و قلم خویش، اصول ایدئولوژی انقلاب را ساده و عامه‌فهم می‌سازند.

نقش‌های رهبری که در فوق مورد اشاره قرار گرفت، مربوط به دوران قبل از پیروزی است. در مرحله بعد از پیروزی، رهبر، نقش مدیر یا معمار را دارد. در این دوره، رهبری، باید خرابی‌های برجای مانده از رژیم قبیل را ترمیم، شعارهای داده شده را عملی و عناصر مخالف را سرکوب کند و در مجموع با آرامش بخشیدن به جامعه، در جهت پیاده نمودن جامعه ایده‌آلی و آرمانی وعده داده شده، تلاش کند.

نقش‌های سه‌گانه فوق می‌تواند در یک نفر جمع شود. برای بدست آوردن چنین موقعیتی، رهبر باید از نبوغ و ویژگی‌های استثنایی برخوردار باشد. در غیر اینصورت رهبری دسته‌جمعی بوجود خواهد آمد که در آن هنگام، جمع رهبران وظائف و مسئولیت‌های سه‌گانه رهبری را برعهده خواهند گرفت. با عنایت به چارچوب ترسیم شده در خصوص "کارکردهای رهبری"، سوالاتی در خصوص نقش رهبری در "نهضت مشروطه" و "انقلاب اسلامی" قابلیت طرح پیدا می‌کنند. از این قبیل:

- آیا در نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی رهبری مشخص و بارزی به چشم می خورد؟

- آیا در نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی رهبری از نوع فردی بود یا دسته جمعی، بعبارت دیگر نقش های سه گانه رهبری (ایدئولوگ - بسیج گر - مدیر) در اختیار یک نفر بود یا یک مجموعه؟

- آیا در نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی رهبری بطور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تاثیر عوامل خارجی قرار گرفت؟

- آیا انحراف و شکست نهضت مشروطیت و استمرار و موفقیت انقلاب اسلامی با رهبری آن دو ارتباط داشت؟

این کار تحقیقی سعی دارد، با مقایسه نقش رهبری در نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی از سه زاویه "ایدئولوگ"، "بسیج گر" و "مدیر" به سوالات فوق پاسخ بگوید. در این راستا، فرضیه ای که در نظر گرفته شده بدین صورت است:

در نهضت مشروطیت رهبری واحد که سه نقش "ایدئولوگ"، "بسیج گر" و "مدیر" را ایفاء کند، وجود نداشت و بوجود آمدن اختلاف در بین رهبران نهضت، انحراف و شکست آن را بدنبال داشت. در حالیکه در انقلاب اسلامی، نقش های مذکور در یک نفر جمع شده بود و در موفقیت و استمرار آن نیز، نقش تعیین کننده ای داشت.

روش منتخب برای جمع آوری داده ها، روش "کتابخانه ای" است و به لحاظ اینکه موضوع دارای ریشه ها و رگه های تاریخی است، از کتب تاریخی، اسناد و مقالاتی که از گذشته برجای مانده، استفاده زیادی بعمل آمده است و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده، از روش تاریخی استفاده شده است.

در صورتی که فرضیه مورد نظر، اثبات گردد، از لحاظ نظری، نقطه

عزیمتی خواهد شد، برای کارها و مطالعات بعدی در خصوص " رهبری " و از نظر عملی، این اهمیت و فایده را خواهد داشت که ریشه " استمرار و تداوم " در یک انقلاب و " انحراف و شکست " در دیگری را معلوم خواهد ساخت .

در زمینه موضوع مورد پژوهش، مطالعات و تحقیقات قبلی بیشتر جنبه " ژورنالیستی " داشته و کوششی آکادمیک جهت مقایسه تطبیقی آن صورت نگرفته است . بعبارت دیگر هر یک از دو " تحول " بطور کلی و جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند و نگارنده این سطور مطلبی منسجم تحت عنوان " مقایسه رهبری در مشروطیت و انقلاب اسلامی " به چشم ندیده است .

بنابراین ضرورت انجام تحقیقی جامع که بتواند این " خلاء عملی " را برطرف نماید، احساس می‌گردید و نگارش این پایان نامه در این راستا بوده است .

هدف این پایان نامه، از یک طرف نشان دادن عظمت انقلابی است که به سال ۱۳۵۷ ه.ش / ۱۹۷۸ م صورت گرفت و از طرف دیگر مقایسه آن با تحولی که هرچند جایگاه روشنی در تاریخ کشورمان دارد ولی دارای نقاط ضعف زیادی بود که همانا سرانجام به شکست آن تحول منجر شد و درس گرفتن از تاریخ و تلاش جهت جلوگیری از انحرافات که باعث پوسیده شدن انقلاب و نهایتاً " شکست " آن می‌شود . همچنین نشان دادن نقش رهبری در جلوگیری از شکست و انحراف انقلاب اسلامی و تداوم رو به رشد آن و بیان نقش رهبری در به انحراف کشیده شدن نهضت مشروطیت .

سازماندهی پایان نامه که طی چهار فصل ارائه می‌گردد عبارتست از:

فصل اول: رهیافت نظری (چارچوب تحلیلی)

این فصل از سه مبحث تشکیل شده است . مبحث اول اختصاص به تعاریف نهضت و انقلاب و ویژگی‌های آن دو دارد . در مبحث دوم، پیرامون

مفهوم " رهبری " و تعاریف و دیدگاه های گوناگون در خصوص آن مطالبی آورده شده است و در مبحث سوم، به بررسی کلی نقش رهبری در مراحل مختلف نهضت یا انقلاب پرداخته شده است :

فصل دوم : بررسی نقش رهبری در نهضت مشروطیت

مباحث این فصل از سه قسمت تشکیل شده است . مبحث اول، رهبر به عنوان ایدئولوگ . در این بخش به نقش جریان روشنفکری با ذکر یکی از نمایندگان آن یعنی " ملکم خان " پرداخته شده است . مبحث دوم، رهبر به عنوان بسیج گر . در این قسمت به نقش روحانیون به عنوان بسیج گر یا فرمانده عملیات نهضت پرداخته شده که اقدامات آیات الله، بهبهانی، طباطبایی، نوری، نائینی و علمای مقیم نجف در قبل و بعد از پیروزی نهضت شرح داده شده است . مبحث سوم، رهبر به عنوان مدیر . این قسمت از پایان نامه، به اقدامات روشنفکران در مرحله بعد از پیروزی اشاره شده و در همین زمینه به تغییر نام مجلس، تدوین قانون اساسی و متمم آن و نقش روشنفکران در آن، پرداخته است .

فصل سوم : نقش رهبری در انقلاب اسلامی

مباحث این فصل نیز از سه قسمت تشکیل شده است . مبحث اول، رهبر به عنوان ایدئولوگ . در این مبحث ابتداء سه ایدئولوژی مهمی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در جامعه ایران حضور داشتند یعنی ناسیونالیسم، مارکسیسم - لنینیسم و اسلام بررسی شده اند، سپس رهبری امام در تبعیض یعنی سالهای ۵۶-۱۳۴۳ را مورد مذاقه خود قرار داده است . مبحث دوم ،